

(متن سخنرانی امتداد سر آیفور)

میان ادبیات دو زبان انگلیسی و فارسی شباهت‌هایی یافت میشود اولاً هر دو در ردیف زبانهای قدیمی بشمار می‌آیند .

برخی از مورخین تاریخ ادبیات انگلیسی را در حوالی ۱۴۰۰ میلادی و دوران چوسر (Chaucer) شروع میکنند و آن تاریخ را مبداء رشد زبان انگلیسی جدید می‌دانند ولی ادبیات انگلیسی از قرن هفتم میلادی که مقارن زمان حضرت محمد (ص) است تا کنون بطور وابسته کشیده شده است اما این ادبیات قبل از چوسر (Chaucer) در انگلستان مانند یک زبان خارجی تلقی میگردد و تنها ترجمه آن آثار مورد استفاده است .

ادبیات مذهبی تصور میکنم خیلی کمتر از آنقدر که در سابق بود، مطالعه میشود. با اینکه بسیاری از مردم باز روحیه مذهبی دارند اکنون دیگر مانند صدسال پیش مذهبی نیستند ولی در طول هزار سال اخیر کتاب مقدس را بیش از هر کتاب دیگری مردم میخواندند. در قرن هفتم میلادی دانشمندان و محققینی شروع بترجمه آن بزبان لاتن و یا زبان انگلیسی نمودند- و در قرن شانزده یک ترجمه از آن بعمل آمد که آنرا وارد فرهنگ عمومی مردم انگلستان نمود .

سپس یک نفوذ خارجی در انگلستان بوجود آمد که در کشور شما هم نظیر آن وجود داشته و آن نفوذ زبان لاتن در انگلیسی است که قرون متمادی ادامه داشت- زبان انگلیسی از یک عده زبانهای مختلفی تشکیل شده است .

زبان فرانسه که از کشورهای شمالی آمده بود وارد زبان انگلیسی شد و تأثیر و نفوذ فوق العاده‌ای در آن بوجود آورد اما در قرن هفتم تا قرن هیجدهم مردم دانشمند

زبان لاتن را مانند زبان انگلیسی میدانستند و با آن تکلم میکردند .

با اینکه امروز بنظر شما عجیب میرسد دکتر سموئل جانسن مردی که او را يك مرد نمونه انگلیسی میدانند قسمت بیشتر اشعار خود را در قرن هیجده بزبان لاتن نوشت يك کتاب دیگری نیز وجود دارد که بزبان لاتن نوشته شد. و کسی آنرا نمی خواند. این کتاب در زندان توسط بوئی سیوس (Boethius) نوشته شده بود که کنسولاسیون فیلاسفی (تسلی فلسفی) نامیده می شد (Consolatin of Philosophy) و الفرد کبیر آنرا بانگلیسی ترجمه کرد الفرد در سال ۱۰۰۰ میلادی در گذشت و بعد در قرن شانزده ملکه الیزابت اول که ذوق و علاقه بیاد گرفتن زبان داشت قسمتی از آنرا ترجمه کرد. يك علاقه دیگر در مردم انگلستان نسبت بزندگی روستائی پیدا شد که اکنون دارد ناپدید میشود و در ادبیات این ذوق منعکس است. در يك زمان این زندگی روستائی حالت عرفانی بخود گرفته بود. امروز انگلستان قریب پنجاه میلیون جمعیت دارد ولی در آنروز یعنی دوران ملکه الیزابت اول ۵ میلیون حداکثر تخمین زده شده بود. آن زمان شهرها کوچک بودند و فعالیتها بطور کلی جنبه روستائی داشت و همین علاقه و اشتیاق و حب مردم نسبت بطبیعت بود که در شعرا و نویسندگان ابتدای قرن نوزده تأثیری بسزا داشت. و طبیعت بازیائیها و مظاهر آن بطور خاص و متمیزی در نویسندگان ابتدای قرن نوزده آشکار و جلوه گر شد یعنی درست همان موقعیکه داشت زندگی طبیعی رو بزوال میرفت (یعنی زندگی روستائی بدل بزندگی شهری و صنعتی می شد) .

غالباً این فکر در من پیدا میشود که در قرون پیشین چون جادهها بسیار بد بود مرد وزن نمیتوانستند از زیباییهای طبیعت و صحنه ریز پهای دلکش آن لذت برند و آنرا بستانند ولی در قرن هیجده جادهها بهتر و امن تر شد و مردم بتماشای طبیعت رفتند و نویسندگان یکی بعد از دیگری آنرا توصیف کردند. کتابی که یکوقت شهرت و محبوبیت زیادی داشت و امروز کمتر مردم آنرا میخوانند کتابیست بنام فصول

(Seasons) که جیمز تاسن (James Thomson) آنرا در ۱۷۲۶ تألیف و منتشر نمود. آن کتاب در طول هشت سال بعد از تألیف پیوسته و دائم مورد مطالعه قرار می‌گرفت و خوانندگان زیاد داشت اگر این کتاب را با یکی از کارهای شاعر جدیدی مانند الیوت (Eliot) مقایسه کنیم مطلب خود را سریع‌تر و ماهرانه‌تر بیان می‌کند. اما آن طبیعت دیگر جای خود را بزندگی روستائی داده بودند.

قبل از آنکه این تغییر صورت گیرد شعرای بزرگی مانند کلریج (Coleridge) وردزورث (Wordsworth) کیتز (Keats) و شلی (Shelly) که شعرای دوره رمانتیک و احیاء کننده آن نامیده می‌شوند بوجود آمدند در بین این دسته وردزورث با اینکه بعضی اشعارش خسته کننده است اشعار خوبی دارد که بسیار گیرا و دل‌نشین و نمونه گویائی از بیان مظاهر طبیعت و جلوه گریها و زیباییهای آنست که بمردم تربیت شده نشان میدهد که طبیعت برای آنها تا چه حد پر ارزش بوده این مطالعه طبیعت و بیان آنرا تا آنجا که من مشاهده میکنم مردم امروزی از دست داده‌اند.

درباره زبان انگلیسی صحبت کردم و گفتم چه عواملی در ساختمان آن بکار رفته که خود نیز در ساختمان شعر انگلیسی مفید واقع شده و مورد استفاده قرار گرفته است ما زبان دقیق فرانسه را نداریم ولی دایره لغت ما بسیار وسیع است و ما این لغات فراوان را برای تصاویر و نقش و نگارهای ادبی و استعاره و تشبیه و بیان احساسات گوناگون بکار می‌بریم و از آنها استفاده میکنیم.

در مرحله اول باید گفت که دایره لغت شعر انگلیسی ساده نیست، درست است که زبان شعر انگلیسی ساده نیست، درست است که زبان شعر انگلیسی دایره لغت خاص و محدودی ندارد با اینکه باید گفت در دوران قبل از حمله نرمانها (۱۰۶۶) در شعر یک چنین دایره لغت محدود وجود داشته. گرچه اکثر این لغات در نثر نیز استعمال می‌شده ولی باز این لغات در جاهایی که شعر بحد اعلی خوبی خود بوده معانی خاصی از آن اراده می‌شده و بطور استعاره بکار میرفته است. در وردزورث (Wordsworth)

شاعر معروف رمانتیک انگلیسی در مقدمه لیر لکال بلاد (Lyrical Ballads) (ترانه‌های ملی و تعزلات عاشقانه) قول داده بود که در باره حوادث و سوانح ساده زندگی عمومی مردم آنهم بازبان ساده که فراخور فهم عموم باشد شعر خواهد گفت باز بقول خود وفا نمود و معانی که کاملاً فردی و از آن خود او بود بکار برد.

در سال ۱۸۰۶ هنگامیکه درباره وضع اروپا فکر میکرد و از ناراحتی خود شکایت میکرد قطعه‌ای را که معروف به دنیا زیاد با ماست به نظم آورد و این قطعه سبک ملین (Milton) شاعر قرن هفده را بیاد می‌آورد.

خدای بزرگ! مرا بیشتر از این میل و آرزو بود که خدا شناس بودم که در یک مسلک و طریق از بین رفته و مندرس شده شیر می‌خوردم و رشد می‌یافتم. پس اکنون میتوانستم در این چمن دل‌چسب بایستم و بمنظری بنگرم که مرا کمتر افسرده و اندوهگین کند و به بینم پورتیوس (Proteus) را که از دریا بیرون می‌آید و یا بشنوم که تریتون (Triton) بوق کج و معوج خود را می‌نوازد.

در اینجا مشاهده میشود که با وجود تعهدی که نموده بود باز وردزورث (Wordsworth) کلمات بلیغ و باشکوهی را بکار میبرد.

شیکسپیر (Shakespeare) که در میدان شعر تسلط فوق‌العاده دارد. و در این میدان لغت را با تسلط خاصی بدل خواه خود میگرداند و با آن بازی میکند بازبان عمومی و سهل‌الفهم را که مورد بحث بود بکار نمی‌برد باید اذعان و اعتراف کرد که شیکسپیر (Shakespeare) نیز مانند شعرای دیگر در ترجمه قدرت اولی و اصلی خود را تا حد زیادی از دست میدهد و تعداد خارجی‌هاییکه مکتوبات او را در مورد مراد و تواتر تباط‌هایی که داشته می‌فهمند و درک میکنند خیلی کمتر از آنها هستند که از نمایشنامه‌های او لذت برده‌اند.

پیشرفت شیکسپیر (Shakespeare) مدیون این حقیقت است که او آنچنان درام‌نویس شهیر و نیرومند است که اگر ارکان و عناصر شعری او از جاده طبیعی خود

منحرف شده یا برداشته شود. بازهم آثار او زنده و مؤثر و گویا است علاوه بر این معانی شعر او طوری با تجربه انسانی سرشته و عجز شده که حتی وقتی ترجمه، بیشتر زیبایی اصلی ابداعی بیان او را خراب میکند بازهم کاهشی با اهمیت آن راه نیافته و جالب و دلنشین می ماند.

برای نمونه این عبارت از پایان تراژدی هملت نقل میشود. هملت (Hamlet) خطاب به هریشيو (Horatio) میگوید برای اندک زمانی از سبکساری (جهالت و جوانی) دور شو. یعنی خود را از شادی برای زمان کوتاهی دور نگاهدار. این جمله برای انگلیسها معانی مختلفی دارد ولی وقتی ترجمه شود بشکل فوق باز معنی خود را حفظ میکند. شاید اشاره بمرگ نیز باشد یعنی تراژدی بحدیست که هملت (Hamlet) در حالت اضطراب از استعمال کلمه سبکسار اراده مرگ و فنا میشود.

باز مسئله اشکال ترجمه باقی می ماند (زیرا این عبارت در زبان انگلیسی بقدری سیال و دامنه دار است که نمیشود بهمین مقدار اکتفا کرد). تسلط فوق العاده ای که شیکسپیر در تصاویر صنایع لفظی بکار برده مینمایاند که در آن تمام تجارب و دانش زمان خود را بکار برده است.

این رمز قلم شیکسپیر است و تنها اشخاصی که مدت زیاد با زبان انگلیسی مأنوس و مألوف میشوند بهتر آشنائی پیدا می کنند.

با این زبان شاعرانه شعرا و نویسندگان انگلیسی نشان داده اند که سرزمین انگلستان میتواند افکار و تخیلات عالی و پرمایه شاعرانه را رشد و پرورش دهد.

داستانهای انگلیسی انواع و اقسام مختلف جنبه های زندگی و نظریه های اجتماعی و تألمات روحی را میرساند و اشعار شعرای آن، قسمت درونی زندگی را که غالباً رمانتیک و احساسات است و گاهی جالب و عرفانی نیز میباشد نشان میدهند و میرسانند که از نیش زندگی بشری آگاهند.

تمام این قدرت و وابسته به توانائی در آوردن تشبیه و استعاره و هر نوع قیاس تصویری

و خیالیست- اسپنسر (Spenser) و میلتن (Milton) هر دو این تسلط و توانائی را مشترکاً داشتند و دان (Donne) و شعرای متافیزیک نیز بسبب دیگری دارا بودند- دروردزورث (Wordsworth) و کلریج (Coleridge) و شلی (Shelly) و کیتز (Keats) این کنترل لغات و تسلط در تجسم و تصاویر لفظی و صنایع کلام و نقاشی‌های ادبی اغلب شخص را بیاد شکسپیر (Shakespeare) میاندازد و شکسپیر و نامه‌های او نشان می‌دهد که استعاره و آنچه را که مربوط و وابسته باستعاره است در قلب شعر او جا دارد در این مختصر مناسب نیست که درباره مسئله پیچیده استعارات و نقاشی‌ها و تصاویر لفظی بحث شود- مسئله تصاویر لفظی و استعاره مسئله‌ای است مشکل و عمیق و عرفانی که بواسطه بیان و تراوش آهنگ شعر بوجود می‌آید .

تصاویر لفظی بحدّ اعلی خود هنگامی انجام پذیر است که شاعر با جمع کردن و گرد آوردن مفهومات متفرق و معانی متمایز دور از هم و بهم پیوستن اشیاء فاصله‌دار در عبارتی موجز و مختصر مهارت خاص خود را جلوه گر سازد و مظاهر کثرت بشری را رنگ وحدت بخشد .

شاعر گرچه خودش اغلب متوجه نیست اعتراف میکند که با وجود مغایرت و تضاد می که اشیاء در موقع ظهور پیدا میکنند و با جلوه‌های گوناگونی که ظاهر میشوند باز در پشت پرده و نقاب یک روح واحد و یگانه نهفته است صنعت استعاره در شعر متافیزیک‌های بکار رفته شعر است (یعنی شاعر با سیر ملکوتی میتواند با استعارات عالی و بلند دست یابد) .

تصاویر لفظی بشکل خالص و ممتاز خود متافیزیک است که جنبه فلسفه‌های شعری را آشکار می‌سازد و از منابعی که وابسته و مربوط بتجارب عمومی است سرچشمه می‌گیرد .

شاید بجا و مناسب باشد که بگوئیم که از کیفیت و نمونه خاص نبوغ انگلیسی است که توانسته این راه را کشف کند برای اینکه تجربه عملی را بمرحله مترقی و

عالی تصوفی خود برساند .

موجوداتی که با تجربه و آزمایش عمومی از هم مجزا و بی شباهت هستند شاعر آنها را با هم جمع نموده و بشکل يك واحد متصل درخشان در کسوت تصاویر لفظی نمایان می‌سازد .

البته دور از انصاف است که بگوئیم همه اشعار انگلیسی بدین کیفیت است و یا اینگونه کیفیت در سایر زبانهای اروپائی یافت نمیشود- ولی بازره مقایسه عملی که بکار بریم باین نتیجه میرسیم که زبان انگلیسی بوجه خاصی برای این تصاویر و بدایع لفظی استعداد و آمادگی دارد شعرای انگلیسی از این کیفیت و آمادگی استفاده کرده‌اند. در ادبیات انگلیسی علاقه بزندگی و روحیه افراد بشر اعم از زن و یامرد بطور واضح و روشن بچشم میخورد .

در میان مردمان انگلستان مسلماً کمتر کسانی بوده‌اند که دنبال اندیشه مجرد و فلسفه محض رفته باشند و یا معانی مشکل و حقایق را از طبیعت استنباط کرده باشند ولی از همان زمانیکه چوسر (Chaucer) زائرین راه کانتربوری (Canterbury) را برای ما توصیف میکند و شرح صفات زن باث را می‌دهد (Wife of Bath) يك عشق مداوم و مستمری در ادبیات انگلیسی پیدا شد که يك زن و یا مرد تا چه حد توانائی دارد و چه چیز را میتواند انجام دهد و از انجام چه چیزی عاجز است و بالاخره حس و فکر او چگونه و بچه صورت است .

واژه‌مین جهت است که رمان نویسی و داستان نگاری خیلی زود در انگلستان شروع شد و تا قرن بیستم ادامه پیدا کرد با اینکه تصور میکنم اکنون زندگی جدید دارد آنرا کمی از صحن عمل خارج میکند زیرا برای قابلیت درك احساسات بشری جای کمی باقی مانده است .

نه فقط داستان نویسی بلکه علاقه خاص و ممیزی که در نوشتن خاطرات و یادداشت‌های روزانه بکار رفته و همینطور علاقه‌ای که در شرح حال شخصی خود نویسندگان

انگلیسی نشان داده‌اند میرساند که مردم بفکر افتادند که خوب است شرح حال زندگی خود را نیز بنویسند زیرا زندگی خود شخص برای او از هر چیز مهم‌تر است و او خودش را بهتر از هر فرد دیگری می‌شناسد.

سموئل پیپی (Samuel pepsy) که در اواخر قرن هفده زیست می‌کرده تصور میکنم از کسانی است که از پیشقدمان این فکر بوده خاطرات خود را بنویسد و سعی کرده که نشان دهد که شجاعت این را دارد که آنچه را که انجام داده و یافکر کرده بر روی کاغذ آورد - وی برای این منظور تند نویسی و علائم مخصوصی را بکار برد بنحویکه حتی همسرش هم نمیتوانست آن علائم را بخواند و بشناسد.

جیمز بازول (James Boswell) شرح حال سموئل جانست (Samuel Johnson) را که مرد بزرگ انگلیسی میخواندند برشته تحریر آورد گفتگوها و کیفیات و حالات روحی او و کارهای عجیب او را ضبط نمود.

بعلاوه تاریخچه زندگی خود را نیز بدون پروا و هیچ گونه حجب و حیائی ذکر میکند و از بی‌هوده طلبی‌ها و صفات نیک و رذائل اخلاقی خود سخن میگوید و این سنت و رسم بدین وصف ادامه پیدا میکند.

از استاد بزرگوار و عالی قدر سر آیفور (Sir Ifor) که از راه دور زحمت مسافرت را بخود هموار و باسخنرانی خود ما را بطور شایانی بادیای ادب انگلیسی آشنا نمودند باید سپاسگذار بود - سخنرانی آموزنده و شیرین ایشان استادان و دانشجویان و سایر شنوندگان را تحت تأثیر قرار داد و مرا که از شاگردان قدیمی ایشان بودم و حق استادی بر من داشتند بیش از همه مفتون گفته‌های فشرده و پرمغز و آموزنده خود نمودم بطوریکه بر آن شدم که شمه‌ای درباره شرح زندگی این مرد بزرگ و ادیب توانا و برجسته انگلیسی بنویسم و متن سخنرانی ایشان را نیز که بزبان

انگلیسی ایراد شده بزبان فارسی برگردانده از نظر دوستداران ادب انگلیسی و خوانندگان نشریه دانشکده ادبیات تبریز بگذاریم و چون واضح و روشن بود که استاد در مدت کوتاه سخنرانی نمیتوانستند تمام نکات را ذکر کنند از این رو ممکن است خوانندگان که آشنائی کامل بموضوع ندارند نتوانند آنطور که باید و شاید از سخنرانی های استاد استفاده کنند و لذت برند لذا ذیلی برای روشن شدن موضوع بر آن نگاشته شد .

شرح زندگی استاد باختصار : جناب آقای پروفیسور سر آيفر (Sir ifor) در ۱۹۵۵ بمقام ولقب نایت یا سر نائل آمد وی دارای درجه (M.A) و درجه دکتری در ادبیات از دانشگاه لندن بود. دانشگاه پاریس نیز بایشان درجه افتخاری دکتری در ادبیات را داد. نامبرده موفق بدریافت لقب افسر لژیون دوهنور^۱ که لقب ممتاز در خدمات نظامی و غیر نظامی بوده (Legoion of Honour) نیز شد و از مقام سلطنت بلژیک بدرجه شوالیه مفتخر گردید. مقام های دانشگاهی که داشته بشرح زیر است :

مدیریت یونیورسیتی کالج لندن (University College) عضو محکمۀ دانشگاه لندن، استاد زبان انگلیسی در دانشگاه منچستر (۱۹۲۴-۱۹۲۱)، استاد یونیورسیتی کالج شهرتات همتن و دانشگاه شفیلدر استاد و رئیس کالج کوئین مری Queen Mary رئیس قسمت فرهنگی شورای فرهنگی بریتانیا (۱۹۴۴-۱۹۴۰) عضو دانشگاه لندن و عضو کالج کوئین مری. Queen Mary رئیس کمیته روابط در مؤسسۀ زبان انگلیسی

۱- تشکیلاتی در کشور فرانسه بوجود آمده بود که با افراد لایق و واجد شرایط بفرآخور خدمات برجسته ای که از آنان بظهور رسیده باشد القاب و مراتب نظامی اعطا می شود. ناپلئون اول این تشکیلات را تشویق و تصویب نمود، سپس تغییراتی در آن راه یافت. آن القاب و مراتب دارای درجات پنج گانه زیر بوده :

اول: گراوند کوروا دوم: گراوند افسر سوم: کماندر چهارم: افسر پنجم: شوالیه

پاریس. عضو مطالعات و تحقیقات مؤسسه لیور هپولم (Liverhulm) رئیس کمیته مشاورین فرهنگی. (Educational Advisory Council). تألیفات استاد زیاد است خوانندگان می توانند برای آشنائی با تألیفات و تحقیقات ایشان به Who is Who (1956) رجوع فرمایند.

ذیلی درباره سخنرانی استاد: در قسمت اول سخنرانی استاد اشاره نمودند که دو زبان انگلیسی و فارسی بهم شباهت دارند و در مرتبه اول هر دورا از زبانهای قدیمه بشمار آورده اند، شاید منظور استاد غیر از قدمت آنها این بود که هر دو از خانواده زبانهای هند اروپائی هستند اما اینکه ابتداء ادبیات انگلیسی را بزعم مورخین از ۱۴۰۰ یعنی مرگ چوسر (Chaucer) و دوران او دانستند باید دید که چرا این طور بوده و تا چه حد چوسر (Chaucer) در ایجاد ادبیات انگلیسی میشود گفت پیشقدم و پرچمدار و پدر ادبیات آن کشور است. قبل از آنکه درباره خود او بحثی بمیان آید بسیار بجا است که محیط و وضع اجتماعی و سیاسی زمان او تا حدی روشن شود زیرا ادبیات همیشه زائیده محیط و اجتماع زمان است ایام چوسر دوران بسیار ناراحتی بود. دورانی بود که جنگهای صدساله (۱۴۵۳-۱۳۳۷) بین فرانسه و انگلستان در جریان بود و حتی خود او هم در این جنگها شرکت کرده و در ۱۵۶۰ اسیر شده بود. دوران وحشتناک مرض خانمانسوز و دلخراش طاعون سیاه است که از مشرق زمین بانگلستان سرایت نموده بود در سالهای (۱۳۶۹-۱۳۶۸-۱۳۴۹-۱۳۴۸) این مرض در انگلستان طوری کشتار داد که مردم جنازهها را در گودال میریختند و فرصت دفن و مراسم بجا نماند. شماره تلفات را به يك سوم جمعیت تخمین زده اند، فساد حکومت ریشارد دوم و بروز ناراحتیها و نارضائیهای اجتماعی و نفوذ زمین داران فئودال و طبقه متوسط و ثروتمند در مجلس عمومی انگلستان سبب شد که برای بر گرداندن سرفهائی فراری قرون وسطائی و بکار گماردن آنها مجدداً در سرزمینهای که قبلاً زراعت میکردند قانون کارگران از مجلس گذشت این قانون بر ناراحتی مردم و کارگرا

افزوده و آنها را وادار کرد که دست بشورش بزنند طاعون و کمی کارگرو گرانی هزینه زندگی هم مؤید این جنبش شد و مردانی مانند وات تایلر (Wat Tyler) و جان بول (John Ball) پرچمدار ورهبر این شورشیان شدند و جان بول (J. Ball) با نطق‌ها و سخن‌های آتشین خود راه آزادی و دموکراسی را بمردم نشان میداد (وقتی حوا میرسید و آدم آب را از چاه میکشید آنوقت چه کسی شوالیه و جنتل من بود؟) (کلمه جنتل من معادل باشوالیه یا نایت بوده). آری این اولین قدم برای کسب آزادی و مساوات بود.

در دایره مذهبی جان ویکلیف (John Wyclif) و طرفداران و پیروان او که لالارد (Lollards) نامیده میشوند شورش و جنبش بر علیه پاپ و مالیات‌های و ادعاهای او بوجود آورده بودند و خود را فقط در مقابل فرامین و دستورات کتاب مقدس مسئول میدانستند و هر ادعائی که مستند بکتاب مقدس نبود آنرا مخالف کتاب مقدس می‌شمردند. جان ویکلیف با نطق‌های خود و ارائه اسناد صحیح لاتین مردم را تشویق نمود که مالیات‌های تحمیلی پاپ را نپردازند و خودش هم سرپرستی ترجمه کتاب مقدس را بعهده گرفته و بشخصه قسمتی از عهد قدیم کتاب مقدس و سه‌تا از اناجیل از بعهده را ترجمه نموده او را مورخین ستاره صبح اصلاحات مذهبی و آزادی مذهبی میدانند زیرا با فعالیت‌های خود در فقه و تبلیغات مذهبی سیاست خود را مسبب واقعی اصلاحات مذهبی و پرستان اروپائی میداند.

دیگر از عوامل سیاسی مهم دوران چوسر (Chaucer) از هم پاشیدگی و اضمحلال اصول فئودالیزم است که بواسطه جنگ‌های خارجی و پیشرفت کمانداران در جنگ و برتری آنها از حیث اصول جنگی به نظامیان و شوالیه‌های فئودال و نیاز پادشاهان انگلستان بوجود پارلمان و کمک مردم ثروتمند شهری برای اخذ پول بمنظور پرداخت هزینه جنگ‌های خارج تسریع شده بود و ناخوشی طاعون سیاه هم مؤید آن آشفته‌گی و از هم گسیختگی بود.

در قسمت زبان و ادبیات باید این نکته را در نظر گرفت که در دوران چوسر (Chaucer) در سراسر انگلستان لهجه‌های مختلفی وجود داشت مثلاً در قسمت شمالی لهجه شمالی و در مرکز لهجه مرکزی و در جنوب و شرق و غرب نیز لهجه‌های مختلفی رشد پیدا کرده بطوریکه مردم جنوبی زبان مردم شمالی را نمی‌فهمیدند و نویسندگان بلهجه‌های محلی خود چیز می‌نوشتند. یعنی اگر در جنوب بودند بلهجه جنوبی و اگر در مرکز بودند بلهجه مرکزی و اگر در شمال بودند بلهجه شمالی - خوشبختانه شاعر توانا و زبردست انگلیسی چوسر (Chaucer) لهجه اش مرکزی بود و چون پایتخت انگلستان یعنی لندن هم این لهجه را داشت. نوشته‌های چوسر (Chaucer) پیشرفت پیدا کرد زیرا طوری نوشته بود که متکلمین لهجه‌های جنوبی و شمالی و همه‌شتر کی در آن دیده و آنرا بلهجه خود نزدیک دانسته و بخواندن و لذت بردن از آن مایل و رغب شدند. بعلاوه چوسر (Chaucer) توانست با مهارت ذاتی خود عوامل فرانسوی و عوامل انگلیسی بومی زبان را طوری درهم آمیخته پیوند دهد که در این آمیختگی يك آلت و ابزار سبکی برای ساختن ادبیات بعدی پیدا شود و زبان چوسر (Chaucer) زبان شعرا و نویسندگان آینده قرار گرفت و همه بسوی او و زبان او نگر بستند و سرمشق گرفتند و چون وی شاعری هنرمند و دارای ذوق فوق العاده بود آهنگ موسیقی دلنشین او کلمات و گفته‌های انتقادی او رنگ آمیزی و نقاشی‌های قلم همه را مسحور کرده بود این بود که او را پدر زبان انگلیسی دانستند و زبان او کم کم زبان عمومی کشور شد. البته باید این را هم گفت که زبان مشترك یا استاندارد بطور رسمی و واقعی در ۱۵۸۹ یعنی با کتاب آرث اف انگلیس پوئزی (art of English Poesie) که مؤلف آن جرج پاتنم (George Puttenham) شناخته شد.

استاد سپس اشاره با اهمیت کتاب مقدس در عرض هزار سال قبل نموده بعوامل خارجی که در زبان انگلیسی نفوذ بسزائی داشته پرداختند و از نفوذ زبان لاتین در انگلیسی سخن گفتند. شاید مناسب و مقتضی باشد که برای روشن شدن کسانی که اطلاع

کافی در ادبیات انگلیسی ندارند بحث بیشتری رود و اینک بطور اجمال باید گفت که نفوذ فوق العاده و شایان توجه لاتن در انگلیسی در انتهای قرن ششم بود یعنی هنگامیکه آئین مسیح وارد انگلستان شد انگلیسها بآئین مسیحی درآمدند و بارمیها در تماس بودند بطور کلی ملل جدید اروپائی غربی بعلمت اشاعه مذهب مسیحی لاتن و بواسطه این حقیقت که لاتن زبان کلیسا و مذهب و تعلیمات و فرهنگ مذهبی بود خود را برای یاد گرفتن و بکار بردن آن مشتاق دیدند و از طرف دیگر در تمام قرون وسطی زبان فرهنگی دانشگاههای اروپا لاتن بود بطوریکه خود محصل میتوانست بآسانی قسمتی از تحصیلات خود را در یک دانشگاه و قسمت دیگر را مثلاً در آکسفورد یا در پاریس بگذراند و دیپلم یک دانشگاه پاسپورتنی برای ورود بدان دانشگاه دیگر بود تعلیمات هم بزبان لاتن بود. اصول تمدن و قوانین اروپا خود از تمدن دنیای قدیم رم و یونان است و لاتن ما در تمدن اروپا محسوب میشود و همان توجه زیاد اروپائیها بتمدن این مادر بزرگ یعنی لاتن سبب پیشرفت و رخنه لاتن در تمدن این کشورها شد. در انگلستان در هنر و فلسفه و علوم و قانون از دنیای لاتن استفاده شد و برای غنی نمودن زبان ادبیات کلاسیک رو آوردند و از آن تا میتوانستند استفاده کردند بعلاوه اصطلاحات علمی و فنی را نیز از این دنیای لاتن باستعاره گرفته و آنرا وارد فرهنگ خاص خود نمودند - ولی با وجود این نباید خیلی دور رفت و تصور کرد که زبان انگلیسی یا زبان بومی قربانی لاتن شده بلکه از جدولی که جورج مارش (P. Marsh) تهیه کرده در آن نسبت لغات بومی را نسبت بلغات اجنبی در برخی از نویسندگان برجسته انگلیسی ذکر کرده میتوان استفاده کرد. برای نمونه چند تقریری از آن جدول ذکر میشود.

لغات خارجی	لغات بومی	
چهارده درصد	۸۰ درصد	اسپنسر (Spenser)
» ده	» ۹۰	شیکسپیر (Shakespeare)

نغات خارجی	نغات بومی	
نوزده درصد	۸۱ درصد	میلتن (Milton)
» ۱۸	» ۸۲	ادیسون (Addison)
» ۲۵	» ۷۵	سویفت (Swift)
» ۶	» ۹۴	کتاب مقدس انجیل (Bible)

استاد سپس اشاره بکتاب لاتن بوئی سیوس (Boethius) نمودند و گفتند که چه کسانی این را ترجمه نمودند. کتاب تسلی فلسفی که نام کتاب بوئی سیوس (Boethius) فیلسوف رومی است. کتابی است که نامبرده هنگامیکه در زندان شهر پاویا (Pavia) بود نوشته و این کتاب بشکل بحث و گفتگو بین او و زنی که مراقب او بود تنظیم شده و در آن راجع به تقدیر و سر نوشت و اراده آزاد بحث شده است. این فیلسوف هم زمان و دوست تئودریک استرگت (Theodoric Ostrogoth) فرمانفرمای رم بود و بجرم دسیسه بر علیه این فرمانفرما بزندان پاویا (Pavia) فرستاده شد و بعد هم در سال ۱۵۲۴ او را بسرای نیستی رهسپار کردند. آلفرد کبیر پادشاه و سکس (Wessex) که در سال های (۹۰۱-۸۴۸) در انگلستان زیست می کرد اول کسی بود که چون آنرا مطابق ذوق و روحیات خود دید ترجمه کرد. این کتاب را به نثری مشکل که متأثر از اسلوب و ساختمان لاتن است ترجمه کرد (در فلسفه نوشته های چوسر این کتاب تأثیر داشت مثلاً راجع بطبیعت در کتاب هاوس اف فیم House of Fame و در باره سر نوشت در کتاب ترویلوس Troilus and Cressid و کرسیدا).

اما درباره نفوذ فرانسوی یا نرمان که بآن اشاره کردند جا دارد باز جری بحثی برود. اولاً نرمان ها که استاد آنها را طوایف کشورهای شمالی خواندند در قرن دهم از شمال اروپا یا ممالک اسکاندیناوی به نرماندی در فرانسه آمده و در آنجا مسکن گزیدند و اولاد و احفاد آنها در ۱۰۶۶ بسر کردگی و رهبری ویلم فاتح دوک نرماندی بانگلستان حمله ور شدند و ویلم، هرولد (Harold II) دوم پادشاه انگلستان

را شکست داد و انگلستان را تصاحب کرد. داعیه او نسبت به تاج و تخت انگلستان این بود که ادوارد معترف پادشاه انگلستان که در فرانسه رشد و تربیت پیدا کرده بود با او قول داده بود که بعد از او سلطنت انگلستان به ویلم تعلق خواهد داشت و عبارت دیگر او را وارث خویش قلمداد کرده بود. اکنون چون ادوارد در گذشته بود ویلیام این ادعا را وسیله حمله قرار داد. ویلیام را پسر غیر شرعی رابرت شیطان دوک نورماندی میدانند ویلیام پس از آنکه بتخت سلطنت رسید اصول حکومتی فئودالیزم را در انگلستان برقرار کرد. بوسیله او راه‌های فرهنگی اروپا بر روی انگلستان باز شد و با برقراری فئودال قوانین شوالیه‌گری و نایت‌هود (Knighthood) و احترام بزنان و احترامات و سنن مذهبی و احترام بحضرت مریم رواج و شیوع پیدا کرد در این دوره دانشگاه آکسفورد و کمبریج تأسیس شد و رشد پیدا کرد. بواسطه نفوذ او بود که لهجه میانه (سمت شرقی) ترقی و رواج پیدا کرد و زبان مشترک شناخته شد و فیلسوف شهر انگلیسی راجر بیکن (Roger Bacon) در این زمان زیست می‌کرد. در این دوره ادبیات رشد پیدا کرد و کتابهایی در تاریخ و غیره بزبان لاتین نوشته شد و برای مدت سیصد سال سه زبان در انگلستان صحبت میشد:

۱- زبان نورمان بافرانسۀ لهجه نورماندی. ۲- زبان لاتین که زبان دانشمندان و کلیسا و فرهنگ بود. ۳- زبان توده مردم که زبان انگلیسی بود - عوامل فرانسوی در مواقع مختلف و بعلا مختلف وارد زبان انگلیسی شد و ممکن است آنرا به سه قسمت بیان کرد:

۱- لهجه نورماندی که لهجه فاتحین نورمان بود و در قسمت اول دوران ادوارد معترف وارد انگلستان شد نفوذ مسلم آن در ۱۲۰۴ بود.

۲- لهجه پارسی که در اواخر قرن سیزده و اوایل قرن چهارده رخنه کرد تا قرن پانزده ادامه داشت.

۳- فرانسۀ جدید که از قرن پانزده تا کنون ادامه دارد.

ترجمه‌هایی که در کتابهای فرانسه بعمل آمد در نفوذ و پیشرفت زبان فرانسه در انگلستان کمک نمود. مثلاً اگر ترجمه‌هایی مانند کتاب سقوط شاهزادگان که از ترجمه فرانسه آن اخذ شده و ترجمه‌های ککستن (Caxton) و ملری (Malory) و ریورز (Rivers) .

طبیعی است که هر قدر تماس یک کشور با کشورهای دیگر افزون می‌شود دایره نفوذ و گسترش لغات خارجی زیادتر می‌شود انگلیسی از زبان سایر کشورها مانند ایتالیایی و اسپانیولی و پرتغالی و دانمارکی نیز متأثر شده و لغاتی از این زبان‌ها خصوصاً ایتالیایی وارد زبان انگلیسی شده .

زبان ایتالیایی از زمان چوسر (Choucer) و در نوشته‌های او نقش خاصی داشته و قسمتی از آثار او از آن بطوری متأثر است که آنرا دوره ایتالیایی چوسر (Chauer) می‌گویند .

نفوذ زبان و ادبیات ایتالیایی در قرن شانزده و هفده ادامه پیدا کرد. در قرن هیجده موسیقی ایتالیایی وارد انگلستان شد. آشم (Ascham) در کتاب اسکول‌ماستر (Schoolmaster) و توکسوفیلوس (Toxophilus) بر افرادی که در تقلید از ایتالیا و زبان ایتالیایی مبالغه مینمودند سخت می‌ناخت . سر تماش الیوت (Eliot) نیز از مخالفین جدی ورود لغات خارجی بود. تماش ویلسن (Thomas Wilson) در کتاب آرت افرتریک (Art of Rhetorik) (فن معانی و بیان ۱۵۵۳) با لحن شدیدتری علیه ورود لغات اجنبی بزبان انگلیسی بمبارزه پرداخت ، در قرن هیجده جنبشی برای تصفیه نمودن زبان انگلیسی از لغات خارجی پدیدار شد و مردانی مانند سموئل جانسن (Samuel Johnson) و سویفت (Swit) معتقد بودند که باید زبان انگلیسی تصفیه شود و از ورود بی‌حد لغات خارجی جلوگیری بعمل آید .

در قطعه شعر وردزورث (Wordsworth) دو اسم خاص آمده یکی پروتیوس (Proteus) دیگری تریون (Triton) خوب است برای روشن شدن مطلب این دو اسم

باختصار شرح داده شود .

پروتئوس (Proteus) يك غیگوئی است که در غاری زیست مینموده (در جزیره فاروس) و تنها هنگامی که در حال خواب بود امکان داشت که او را به پیشگوئی-هائی وادارند زیرا وقتی بیدار بود میتوانست شکل خود را طوری تغییر دهد که شناخته نشود. بنابراین مورد استفاده قرار نمیگرفت .

دوم تریتون که یکی از خدایان دریا و پدر نپتون است که با نواختن شیپور خود میتواند امواج دریا را از حالت خروشان بآرامش و سکوت در آورد .

در پایان خوبست توضیحی راجع به اصطلاح لیریکال بلاه داده شود :

لیریکال بلاه مجموعه‌ای است در تصویر و قایع و اتفاقات اجتماعی، انسانی، طبیعی، روستائی و اسرار و رموز طبیعت بسبکی ساده و بی‌تصنع که در آن طغیان شاعر علیه شاعران صنعتگر بخوبی پدیدار است . ادبای ما شاعران متصنع را صنعتگر نامیده‌اند: صنعتگر است اما طبع روان ندارد .

این مجموعه اشعار بکلمه کلریج تألیف شد (در ۱۷۹۸) و آنرا ابتدای دورهٔ رمانتیک و زنگ شروع آن میدانند .